

آوانویسی فارسی واژگان و نام‌های

سنسکریت و پالی

ع. پاشایی

اشاره

به دو دلیل این بحث را که در هفت آسمان، ش ۶، تابستان ۱۳۷۹ آمده است، از نو مطرح می‌کنیم. یکی به خاطر سهو و اشتباهاتی که در کاربرد نشانه‌های آوانویسی در آن مقاله دیده می‌شود، و دیگر، که علت اصلی است، نیاز پژوهشگران ادیان شرقی به بحث فنی تری است که با استناد به کتاب‌های تخصصی این قلمرو فراهم آمده باشد. پژوهشگران در مراجعات مکرر به متن‌ها و کتاب‌های تخصصی و فلسفی فارسی و نیز انگلیسی متوجه شده‌اند که از این منظر در میان صاحب‌نظران این رشته، و نیز گاهی در یک کتاب معین، هماهنگی دقیقی به چشم نمی‌خورد. البته باب این بحث همچنان باز است و چشم به راه یاری صاحب‌نظرانیم، خاصه سنسکریت‌دانان ایرانی. ناگفته نماند که فارسی‌نویس‌های پیشنهادی استاد پاشایی تنها برای نوشتن نام‌ها و واژگان متن‌های فلسفی و ادبی سنسکریت و پالی می‌تواند مفید باشد، و در واقع پیشنهادی است برای یکدست شدن فارسی‌نویس‌های این نام‌ها و واژگان، و ابتدا نه به کار تلفظ فنی این واژگان می‌آید و نه گرهی از کار فراگیرندگان این زبان‌ها باز می‌کند.

§ ۱ واکه‌های ساده

گلویی‌ها: ā a	(آ، آ)
کامی‌ها: Ī i	(ای، یی، ی)
لیبی‌ها: ū u	(و، و)
مغزی‌ها: ī r	(ری، ری)
دندانی‌ها: Ī ī	(لی، لیالی)

§ ۲ واکه‌های مرکب

کامی‌ها: ai e	(ای، ای — آی، آی)
لیبی‌ها: au o	(او، او)

نمونه‌ها

§ ۳ a: آ کمابیش آن را مثل آ در آبر، و فتحه روی حروف می‌نویسیم: amatam: آمتم؛ karma: گرمه.^۲ و نیز ه در آخر واژه برای a. ← § ۲۲. البته نمی‌توان گفت که این a دقیقاً صدای آ دارد، بلکه آ کوتاه است، اما ما در فارسی یک صدای آ داریم و یک آ، که آ را: برای ā گذاشته‌ایم. در سرّ اکبر نیز برای این a، به کار برده‌اند: karman: کرمن؛ karma کرّم (کرّم)؛ varna: ورن؛ mantra مَنتر.^۳

§ ۴ i: یی کوتاه. پیشنهاد می‌کنم به شکل ای، یی، بنویسیم: avidyā: آویدیا؛ و Nirvāna: نیروانه. این i نظر آوایی به کسره زیر حرف یا کسره اضافه (ـِ) نزدیک است. در گذشته نیز چنین می‌نوشته‌اند: هند، سند، بهار نیز (Vihāra) مانند اینها. در سرّ اکبر همین گونه نوشته‌اند. من هم در چاپ اول چند کتابم به همین شکل نوشته‌ام. اما بارها دیده‌ام که آنها را به شکل‌های نادرست تلفظ می‌کنند (مثلاً زوانه را زوانه می‌خوانند)؛ از این رو به ناچار به شکل یی، نوشته‌ام که باید آن را یی بسیار کوتاه خوانند، مثلاً آویدیا را (avidyā) شبیه آوِدیَا خوانند.

۱. به ترتیب مثل rich و marine انگلیسی. ← ص xv از

Margaret and James Stutly, *A Dictionary of Hinduism*, London, 1977.

۲. به شکل غیر فنی کارما می‌نویسند.

۳. داراشکوه، سرّ اکبر (اوپانیشاد)، به تصحیح دکتر ناراجند و سید محمد رضا جلالی نائینی، تهران، ۱۳۵۶، در بخش «لغات و

§ ۵ u : و (اوی کوتاه) که به شکل او، در اول، و و در وسط و آخر می‌نویسیم:
 upakāra : اوپه کاره؛ vastu و ستو.

§ ۶ ā : مثل آ در آب، nāma : نامه؛ bhāva : باوه.

§ ۷ ī : ی کشیده، مثل ی در بیل (البته کمی کشیده‌تر از معمول)، bīja : بیجه.

§ ۸ ū : اوی کشیده، به شکل و نشان می‌دهیم : sūtra : سوتره؛ rūpa : رویه.

§ ۹ من برای این ū ، سوای و، تا کنون دو پیشنهاد دیگر داده‌ام که خود در کاربرد آنها به مشکلاتی برخوردیم. یکی و (مثل و در طاووس، داود)، و دیگری و (به قیاس و یا -sū برای u)، و حتی می‌توان و (برای کشیده شدن و). اما آوانوشت Suvarṇaprabhāsa Yuvarājā چگونه باید باشد؟ سوورنه پرباسه؟ یا یووراجا؟ که در این صورت -Suv با می‌آمیزد. حتی این جا هم اگر روی و او دومی فتحه نباشد (و: سوورنه پرباسه) سوو- می‌تواند suo خوانده شود، مثل guo، گوو، که البته برای این نمونه سوو- و گوو ترجیح دارد. پس از برخورد با این گونه نمونه‌ها به و (برای sū فکر کردم. عیب اصلی این پیشنهاد یکی دراز شدن آوانوشت آن واژه یا نام بود، و دیگری قرار گرفتن v یا o یا o پس از و، یا دو sū در یک کلمه معین بود، که این خصوصاً در واژگان ژاپنی، که u ، o ، ū در آن زیاد است، فراوان به چشم می‌خورد. مثل Jūōgyō (جووگیو)، Tōjūrō (توچورو) یا Shintoku-fukū-shū : شینتوکو- فوکوو- شوو، یا Yūzū-nembutsu- shū (یووزونم بوتسو- شوو). همین امر سبب شد که برای آوانویسی ū راهی دیگر بیندیشم، که با یک و نوشته شود و از آمیزش آن با u ، o ، v خودداری شود، و از سوی دیگر، طبعاً هرگونه پیشنهادی باید در چارچوب نرم‌افزارهای موجود و رایج صورت بگیرد (مثلاً نرم‌افزار زرنگار). پس از بررسی‌های گوناگون به و برای ū رسیدیم. در خیال من - و او را می‌کشد. چشم به راه پیشنهادهای آسان‌تر هستیم.

واکه‌های مرکب

§ ۱۰ ai : ای، به صورت یای ساکن ماقبل مفتوح: Jaina جینه؛ Vaiśali : ویشالی.^۲ با

۱. مثلاً اگر از نرم‌افزار زرنگار استفاده می‌کنید این نشانه را با Alt f10 روی صفحه کلید دارید. منتها با توجه به این نکته که باید آن را با اندیس بالا (۰/۳۰) همان قلم متن به کار برید تا روی حرف بنشیند.

اندکی آسان‌گیری می‌توان جاینا و وایشالی هم نوشت.

§ ۱۱ au: او، ئو: Kautilya, Maurya و Baudāyana به ترتیب مئوریه، کئوتیلیه، بئودایتیه.
 § ۱۲ e: لکشیده، یا صدایی نزدیک به ای در واژه‌های فارسی نی، دی، ری. این e هرگاه
 پیش از دو واکه قرار بگیرد کمایش صدای کوتاه دارد: Veda: ویده (که غالباً به شکل
 رایج آن ودا نوشته می‌شود.)، cetasah: چیتسه، hetu: هیتو. (هرگاه این صدا را ای
 بخوانیم پیش از ی حتماً کسره می‌گذاریم، مثل نمونه‌های بالا.) در سراسر هم ی برای این
 e به کار برده‌اند: Vedanta: ویدانت؛ Vaiṣeṣika: ویشیشیکه؛ Mahādeva: مهادیو.

§ ۱۳ o: به شکل (و ئو هنگامی که تنها باشد): mano: منو؛ lokottara: لوکوتزه.
 § ۱۴ I: I (کمایش ریاری کوتاه و لی یا لی کوتاه) واکه کوتاه‌اند که فقط در سنسکریت
 می‌توان یافت، نه در پالی. مثلاً ṛg (رگ یا ریگ) یا ṛṣi (رشی یا ریشی). در این کتاب ری یا لی
 می‌نویسیم.

§ ۱۵ همخوان‌ها

			۵	۴	۳	۲	۱	
			ñ	gh	g	kh	k	گلوبی‌ها:
			ن	گ	گ	ک	ک	
	§	y	ñ	jh	j	ch	c	کامی‌ها:
		ش	ی	ن + ی	ج	چ	چ	
			\`ṇ	dḥ	ḍ	ṭh	ṭ	مغزی‌ها:
	§	r	n	dḥ	d	th	t	دندانی‌ها:
		س / ش	ر	ن	د	ت	ت	
			v	m	bh	b	ph	لبی‌ها:
			و	م	ب	پ	پ	

دمیده: h: ه

§ ۱۶ ویسرگه: ḥ: ه

§ ۱۷ آنوسواره: ṁ: م، ن^۴

۱. در تلفظ مغزی‌ها نوک زبان کمی رو به بالا و به عقب خم می‌شود.

2. visarga

3. anusvāra

۴. این ترتیب را از صی xvii و xviii فلسفه‌های هند، از هینرش تسیمر، چاپ آمریکا، ۱۹۵۳ آورده‌ام، اما آوانوشت‌ها پیشنهادهای

§ ۱۸ برای V هم شاید ضروری باشد که نشانه‌ای روی و استفاده کنیم، که با O نیامیزد. اما من تاکنون از کاربرد نشانه روی و برای v پرهیز کرده‌ام، به دلیل زیاد شدن نشانه‌های روی حروف فارسی. اما ناگزیر از این پیشنهادم: و برای v (هرچند خود به دلیل پیش‌گفته تاکنون از آن استفاده نکرده‌ام).

§ ۱۹ h که با همخوان دیگری ترکیب می‌شود حرف مستقل ه، مثلاً حرف h دمیده در واژه hetu، یا hina و مانند اینها نیست، که به آن حرف اضافه شده باشد، مثلاً gh دو حرف نیست، بلکه یک حرف است با صدایی خاص، یعنی هم دمیده است و هم شنیده می‌شود. اگر حرف پیش از آن را ساکن بگیریم، مثلاً g در gh را، و سپس h را متناسب با حرکت بعدی بخوانیم تاحدی درست خوانده‌ایم. مثلاً sangha را می‌توان سنگ‌هه خواند و نوشت؛ همین‌گونه است upādhi، اُپادِهی، Kathāvattu: کتِهاوْت‌هو. و مانند اینها. اما اگر در اول واژه قرار بگیرد مثل dharma باید آن را دَهرمه نوشت که البته خواندن دُ برای ما در متن گفتار فارسی ممکن نیست، از این رو، بی‌شک دَهرمه خواهیم خواند. را این واژه را به طور غیر فنی به صورت ده‌ارما هم نوشته‌اند. این h می‌توان نزدیک به درهای جمع دانست، که پیش از آن ساکن است: بُها، چَها، رَگها و مانند اینها. به طور کلی ادای این دسته از همخوان‌ها برای ما فارسی‌زبانان، و به طور کلی ایرانیان، دشوار است. ما این گونه h سنسکریت را در اوستایی هم داشته‌ایم که در تلفظ و کتابت فارسی کنونی غالباً یا ساقط شده است، مثل bhanga که شده است بَنگ، Kangha که شده کَنگ، paradhāta که شده پیش‌داد، thang که شده تَنگ؛ و یا به حرف دیگری تبدیل شده است مثل gh که غالباً به غ بدل شده است و dh به ذ، kh به خ، مثلاً ereghant: ارغنده، megha: میخ، adhvenak: آذین؛ و همین‌گونه است واژه khara سنسکریت که در فارسی کنونی خَر است.

§ ۲۰ در سرّ اکبر^۱ همه‌جا این h را نوشته‌اند: samādhi: سَمادِهی؛ sambhu: سمبِهو؛ siddhi: سیدِهی.^۲

→ من است که در بخش بعدی در این باره توضیح خواهم داد.

۱. داراشکوه، همان، در «لغات و اعلام سنسکریت».

۲. در ادیان و مکتب‌های فلسفی هند، از داریوش شایگان، تهران ۱۳۴۶، نوشته شده سانکِهی (ص ۳۰۱)، bhūh: بهو؛

bhuvah: بهواه (ص ۷۹)؛ و نیز گاهی بدون ه نوشته‌اند: bodhisattva: بودی‌ساتوا (ص ۲۹).

§ ۲۱ پیشنهاد ما این است که اگر این گونه حروف را همراه با واکه پس از آن کشیده تر تلفظ کنیم تا حدودی به اصل صدا نزدیک شده‌ایم؛ مثل دَهره (بنا بر برهان قاطع بر وزن بَهره) که در سنسکریت dhāra است، و این ابزاری است که در هر خانه روستایی مازندرانی لااقل یکی هست که آن را دَرِه می‌خوانند یا دَکشیده‌تر از معمول. اگر به واژه بَنگ و مَرگ نیز توجه شود آنها را اندکی کشیده‌تر از فتحه‌های دیگر می‌خوانیم. از این رو gh, kh و مانند اینها را ک و گ ... نوشته‌ام. البته ما همواره رومی نوشت پالی یا سنسکریت آنها را یا در متن یا در پانویس‌ها می‌آوریم تا از هر گونه اشتباهی اجتناب شود.

§ ۲۲ ه یا های بیان فتحه، که به آن های غیر ملفوظ می‌گویند (یا چنان که دبستانی‌های کنونی می‌گویند: چسبان به آخر، یا انتها مثل میوه، گیوه، جیوه^۱)، برای a در آخر کلمات سنسکریت و پالی انتخاب شده است. مثلاً نیروانه، کامه، نامه، جیوه، جاوه و مانند اینها. البته اگر مثلاً به سیاق فارسی امروزی مردم تهران و شهرهای مازندران بخوانیم را باید نایه، کایه، نیروانه خواند. در سرّاکبر این a گاهی به صورت های بیان فتحه نوشته‌اند مانند: jāla: جالّه (ص ۱۹۹) و loka: لوکّه (ص ۱۹۹)، hiranyagarbha هرّزن گرّنه (ص ۱۹۹)، و گاهی هم نوشته‌اند: karma کرّم.

§ ۲۳ ه. تسیمر درباره همخوان کامی ñ می‌نویسد مثل ñ است در واژه اسپانیایی señor (سن‌یور). (و یا در واژه اسپانیایی mañana (مان‌یانا) و یا ny در canyon).^۲ یک استثنا وجود دارد و آن واژه jñā است که مانند صداهاى هندوی جدید خوانده می‌شود مثل gyaḥ یا g شدید (همان). در سرّاکبر همه جا jñā گیا خوانده شده است، و نیز تمام ترکیبات آن، مانند jñāna: گیان، vijñāna: وِگیان. اما ما برای یکدستی کار همه جا ñ را ن‌ی نوشته‌ایم و نیز jñā را جینا. مثل pañha, prajñāpāramitā, prajñā, vijñāna به ترتیب وِیجینانه، پَرَجینا، پَرَجینا پارمیتا، پَنیّه. اما، ñ را در برخی کتاب‌ها in خوانده‌اند مثل inch و sinḡe^۳ اما ما در فارسی در غالب موارد ناگزیریم که ñ را مثل n بخوانیم، مثلاً در Sāñchi (سانچی) و Sañjaya (سن‌جیه)، و یا دو ñ را فقط یک n بخوانیم: viññāna (وِیجینانه | وِگیانه).^۴

۱. نکته نماند که جیوه jiva (سیماب) خود یک واژه سنسکریت است به معنی زنده.

2. Rune E A Johansson, *Pali Buddhist Texts*, London, 1977, p. 13.

۳. استاتلی، همان، ص xv

۴. در ادیان و مکتب‌های فلسفی هند (داریوش شایگان) این ñ را گاهی ن و گاهی ن‌ی نوشته‌اند: prajñāpāramitā

- § ۲۴ e, i, ī, ai را در فارسی نوشت به شکل *ی، ی، ی، ی* یا *ی* نوشته‌ایم.
- § ۲۵ y مثل *ی* در یک، یال، و مانند اینها.
- § ۲۶ در هنگام تلفظ همخوان‌های مغزی نوک زبان کمی به بالا خم می‌شود که این هم در فارسی نیست، و ناگزیر آنها را به شکل همخوان‌های دندانی تلفظ می‌کنیم.
- § ۲۷ و *یسرگه*، *h*، صدای *ه* است در آخر حرف.
- § ۲۸ اُنسَوَاره، *m̐*، خیشومی است که با دهن باز ادا می‌شود.^۱ غالباً *m*، *saṃskṛita* : سَمسکَریته، هم *saṃsvara* : سَمَوَاره. اما گاهی در وسط، *n*، مثل *saṃsāra* سَنَساره. البته همین واژه را در کتاب‌های فنی به شکل که به *saṃsāra* نوشته‌اند.^۲ در سغدی هم آن را تا حدی *sns'r* (سَنَسار) و گاهی هم *snks'r* خوانده‌اند.^۳ همچنین است *sāṃkhya* شکل *sṃ*، سُنَب، *sāṅkhya* هم نوشته‌اند.^۴ این *m̐* یا *n̐* نزدیک‌اند به *m* و *n* در واژگان خم، خنب، شنبه، پنبه، رنگ، سنگ، و مانند اینها.

□

بسط بحث

- § ۲۹ «القبای سانسکریت شامل ۴۸ حرف است که ۱۳ حرف آن صدادار و ۳۳ حرفش بی صدا می‌باشد و ۲ حرف کوچک نیز وجود دارد که جمعا ۴۸ حرف می‌شود....
۱. سه حرف صدادار و ساده وجود دارد که هر یک از آنها هم کوتاه است و هم کشیده است. سپس دو حرف مرکب از نیم *r* باربع *a* پیش و ربع *a* بعد از هر دو آنهاست (*ṛa*، *ṛā*). حرف اول کوتاه و کشیده است و در این حرف مرکب کشیده ربع *a* بعد از نیم *r* کشیده می‌شود گرچه که ممکن است مرکب دوم کشیده نشود.
۲. این چهار حرف به دو دسته است - دو حرف مرکب *a* با *i* و دو حرف مرکب *a* با *u* است - چون نیز *a* و *i* با هم مخلوط گردد *e* می‌شود و چون پهلوی هم قرار بگیرند *ai*

→ پراجناپارامی تا (ص ۴۸) و پراجنیاپارامی تا (ص ۱۸۲)؛ *pañcarātra* (پانچاراتا، ص ۳۱۴) اما *n̐* را غالباً همان *n* + ی نوشته‌اند: *ajñāna*, *Yajñavalkya*, (به ترتیب: اجنیا، نا، یاجنیا و لکیا) (صص ۱۰۴، ۱۵۷).

۱. ه. تیسمر، همان.

۲. مثلاً ذیل همین واژه در *index*

E. J. Thomas, *The History of Buddhist Thought*, London, 1967.

J.G Jennings, *The Vedantic Buddhism of The Buddha*, London, 1947.

۳. ذیل همین واژه در استاتلی، همان.

۳. BSTBL، ص ۱۳۱.

می شود. O، au چنین ساخته می‌گردد.
 ۳. دو حرف کوچک عبارتند از M و H.^۱

□

پیشنهادهای دیگر

§ ۳۰ واکها:

گلوئی: A \bar{A} (آ، ا)

کامی: I \bar{I} (ای، ای)

لیبی: U \bar{U} (او، او)

مغزی: r \bar{r} (ری، ری)

دندانی: Ir (لری)^۲

§ ۳۱ واکهای مرکب: E، AI، AU، O، M، H^۲

کامی: AI (ای)، E (ای)

لیبی: OU (او) O (او)

ah (آح) (با فشار تلفظ می‌شود)

am (آم) (غنه)^۳

۱. دکتر سی. کنهن راجه، پوئن - سنسکریت گرامر، چاپ هند، (۱۹۵۳) ص ۵.
 ۲. پروفیسور ایندوشیکهر، راهنمای سنسکریت، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۳۷، ص ۳۰. پیشنهاد آوانوشت‌های فارسی هم در این بخش از همین کتاب است.
 ۳. کنهن راجه، همان، صص ۴-۳.
 ۴. ایندوشیکهر، همان، ص ۳۱.